فصلنامه علمی
پژوهش‌های اعتقادی ـ کلامی
سال شانزدهم/ شماره۶۴/ زمستان ۱۴۰۵

The Quarterly Journal of
Theological - Doctrinal Research
16 th Year/ No: 64/ Winter 2027

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۹۴ - ۱۷۵

تحلیل تطبیقی اندیشه‌های تقریب‌گرایانه آیت‌الله محمدهادی معرفت و شیخ طوسی: از رویکرد علمی در قرن پنجم تا ضرورت تمدنی در عصر معاصر

محمدعلی معرفت [۱]
محمد معرفت [۲]
محمد معینی‌فر [۳]

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های تقریب‌گرایانه آیت‌الله محمد هادی معرفت و شیخ طوسی در حوزه وحدت مذاهب اسلامی می‌پردازد و با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی–تحلیلی و تطبیقی با رویکرد کیفی، تلاش دارد مؤلفه‌های تقریب‌گرایی را در آثار این دو اندیشمند برجسته امامیه استخراج و مقایسه کند. اطلاعات مقاله از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل متون اصلی مانند التفسیر الأثری الجامع، الخلاف، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، و منابع تفسیری، فقهی، حدیثی، رجالی و کلامی مرتبط، همچنین پژوهش‌های تخصصی گردآوری شده است. جامعه پژوهش شامل آثار مکتوب و منتشرشده این دو شخصیت و دیدگاه‌های مفسران، فقها و متکلمان معاصر درباره آراء تقریب‌گرایانه آنان است. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی و مقایسه تطبیقی بررسی شده‌اند تا مؤلفه‌هایی چون رویکرد به اهل سنت، زبان گفت‌وگو، روش نقد مخالف، تعامل با منابع حدیثی و فقهی، و تفسیر وحدت‌محور قرآن شناسایی شوند. در تحلیل زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و روش‌شناختی، نشان داده می‌شود که شیخ طوسی در قرن پنجم هجری، با وجود فضای تعصب‌آلود، رویکردی علمی و غیرتقابلی نسبت به اهل سنت اتخاذ کرده و از زبان تکفیر پرهیز نموده است، در حالی که آیت‌الله معرفت در فضای نوگرای پس از انقلاب اسلامی، تقریب را ضرورتی تمدنی دانسته و با بهره‌گیری از منابع معتبر شیعه و اهل سنت، به بازسازی اعتماد میان فرق اسلامی پرداخته است. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که طوسی تقریب‌گرا در روش و آیت‌الله معرفت تقریب‌گرا در روش، نیت و هدف است و هر دو نقش مهمی در شکل‌گیری گفتمان وحدت اسلامی ایفا کرده‌اند.

واژگان کلیدی

آیت‌الله محمدهادی معرفت، شیخ طوسی، تقریب‌گرایی، التفسیر الأثری الجامع، الخلاف.

---

۱. دانشجوی دکتری مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
Email: malimarefat1@gmail.com
۲. دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: m.marefat@iau.ac.ir
۳. دانشیار گروه مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
Email: moeinifar92@yahool.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۷/۲۷

طرح مسأله

تقریب‌گرایی در اندیشه شیعه همواره یکی از موضوعات مهم در مطالعات اسلامی بوده است. این مفهوم به معنای تلاش برای کاهش اختلافات مذهبی و تقویت همگرایی میان مسلمانان است. قرآن کریم مسلمانان را به وحدت فراخوانده و بر ضرورت همبستگی اسلامی تأکید دارد (رحیمی و فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸؛ غنوشی، ۱۳۸۱). در طول تاریخ، علمای شیعه در دوره‌های مختلف تلاش کرده‌اند تا زمینه‌های تعامل میان مذاهب را فراهم کنند. قرن پنجم و پانزدهم به عنوان دو دوره کلیدی در این روند شناخته می‌شوند، زیرا اندیشمندانی چون شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت نقش اساسی در توسعه گفتمان تقریب داشته‌اند.

شیخ طوسی در قرن پنجم هجری در شرایطی فعالیت می‌کرد که اختلافات مذهبی میان فرق اسلامی گسترده بود. وی با تدوین آثار فقهی و کلامی، تلاش کرد تا اصول علمی تقریبی را پایه‌ریزی کند. تفاسیر او، از جمله التبیان، تأکید داشتند که شناخت دقیق مبانی کلامی می‌تواند موجب کاهش تنش‌های مذهبی شود (طبرسی، ۱۴۱۲؛ ابن‌عاشور، ۱۹۹۷؛ طباطبایی، ۱۴۲۱). در واقع، تفکر او مبتنی بر تعامل عقلانی میان مذاهب بود، که موجب شکل‌گیری زمینه‌هایی برای گفت‌وگوی علمی میان اندیشمندان اسلامی شد.

در قرن پانزدهم، آیت‌الله معرفت با تمرکز بر مطالعات قرآنی و روش‌های تطبیقی در تفسیر، تقریب را در حوزه‌های تفسیری و استدلالی گسترش داد. وی بر این باور بود که فهم صحیح مفاهیم قرآنی می‌تواند همگرایی میان مذاهب اسلامی را تقویت کند. وی معتقد بود که استفاده از روش اجتهادی در تفسیر قرآن می‌تواند زمینه‌های تعامل علمی میان مذاهب را بیشتر فراهم کند (معرفت، ۱۳۸۸؛ قمّی، ۱۳۶۷؛ زحیلی، ۱۴۱۸).

سکولاریسم به عنوان یکی از نظریات مطرح در زمینه تقریب، بر جدایی دین از سیاست تأکید دارد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که حذف دین از عرصه حکومتی موجب کاهش تعصبات مذهبی شده و می‌تواند زمینه‌ای برای تعامل میان مذاهب ایجاد کند (دورانت، ۱۹۸۰؛ مریجی، ۱۳۹۵؛ الیاده، ۱۳۷۴). با این حال، منتقدان بر این باورند که کنار گذاشتن دین از سیاست ممکن است موجب بحران هویتی و ضعف انسجام فرهنگی شود

(جوادی آملی، ۱۴۲۷؛ سباعی، بی‌تا؛ زحیلی، ۱۴۱۸).

بررسی تاریخی نشان داده است که سکولاریسم در غرب پس از رنسانس موجب کاهش اختلافات مذهبی و تقویت ساختارهای سیاسی شد. کشورهای اروپایی پس از انقلاب فرانسه توانستند با جدایی دین از حکومت، ثبات اجتماعی بیشتری پیدا کنند. برخی پژوهشگران معتقدند که جهان اسلام نیز می‌تواند از این مدل استفاده کند، اما برخی تحلیلگران بر این باورند که اسلام، برخلاف مسیحیت، پیوند عمیقی با نظام اجتماعی دارد و نمی‌توان آن را از سیاست جدا کرد (طباطبایی، ۱۴۲۱؛ ابن‌عاشور، ۱۹۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲).

نقش علمای اسلامی در تقریب مذاهب نیز یکی از مسائل مهم در این بحث است. شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت با استفاده از روش‌های علمی، تلاش کردند تا به کاهش اختلافات مذهبی کمک کنند. علمای اسلامی در طول تاریخ با ارائه دیدگاه‌های فقهی و کلامی، زمینه‌های تعامل میان فرق اسلامی را گسترش داده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸؛ نسائی، ۱۴۱۱؛ رازی، ۱۴۲۱).

در برخی موارد، تقریب مذاهب اسلامی از طریق گفت‌وگوهای علمی و تطبیقی به دست آمده است. مطالعات فقهی و تفسیری که بر مشترکات میان مذاهب تأکید دارند، می‌توانند به وحدت اسلامی کمک کنند. برخی نظریه‌پردازان بر این باورند که تقریب مذاهب باید با تمرکز بر اشتراکات دینی و عدم تأکید بر تفاوت‌های مذهبی صورت گیرد (خطیب، ۱۴۳۳؛ ابن‌حزم، ۱۹۸۲؛ سباعی، بی‌تا).

با این حال، چالش‌هایی نیز بر سر راه تقریب مذاهب اسلامی وجود دارد. برخی اختلافات تاریخی و مسائل فقهی هنوز موجب تنش‌هایی میان فرق اسلامی می‌شود. همچنین، نفوذ جریان‌های افراطی در برخی کشورها مانع تحقق وحدت اسلامی شده است (برکات، ۱۳۸۵؛ طباطبایی، ۱۴۲۱؛ قمّی، ۱۳۶۷).

مهم‌ترین راهکار برای تحقق تقریب مذاهب اسلامی، افزایش تعاملات علمی و گفت‌وگوهای بین‌مذهبی است. نشست‌های علمی، مطالعات تطبیقی، و تأکید بر نقش قرآن و حدیث می‌توانند زمینه را برای شناخت متقابل و احترام میان مذاهب فراهم کنند (طبرسی، ۱۴۱۲؛ جوادی آملی، ۱۴۲۷؛ غنوشی، ۱۳۸۱).

در این میان، بررسی روش‌های شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت نشان می‌دهد که تقریب مذهبی باید بر مبنای اصول علمی و دینی تنظیم شود. این دو اندیشمند با تأکید بر عقلانیت و استفاده از منابع اسلامی، به تقویت گفتمان وحدت کمک کرده‌اند. بنابراین، روش‌های آن‌ها می‌تواند الگویی برای پژوهش‌های معاصر در زمینه تقریب باشد (رحیمی و فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸؛ غنوشی، ۱۳۸۱).

در نتیجه، تقریب‌گرایی شیعه در قرن پنجم و پانزدهم نشان می‌دهد که این گفتمان نه‌تنها یک ضرورت دینی بلکه یک نیاز اجتماعی است. تلاش‌های شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت نشان‌دهنده این واقعیت است که تقریب میان مذاهب اسلامی باید با روش‌های علمی، تفسیری و فقهی مدیریت شود تا بتواند به وحدت و تعامل بیشتر میان مسلمانان کمک کند.

پژوهش‌های پیشین درباره تقریب مذاهب اسلامی عمدتاً بر جنبه‌های تاریخی یا تفسیری تمرکز داشته‌اند؛ برای نمونه، برخی مطالعات به تحلیل روش تفسیری شیخ طوسی در «التبیان» پرداخته‌اند و برخی دیگر دیدگاه‌های آیت‌الله معرفت را در آثار قرآنی چون «التمهید فی علوم القرآن» بررسی کرده‌اند. با این حال، کمتر پژوهشی به مقایسه تطبیقی اندیشه‌های این دو اندیشمند در دو بستر تاریخی متفاوت پرداخته است. نوآوری مقاله حاضر در آن است که با رویکردی توصیفی–تحلیلی و تطبیقی، مؤلفه‌های تقریب‌گرایی در آثار شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت استخراج و مقایسه می‌شود تا نشان داده شود که طوسی تقریب‌گرا در روش و معرفت تقریب‌گرا در روش، نیت و هدف است. این مقایسه نه تنها خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را پر می‌کند، بلکه الگویی برای مطالعات معاصر در حوزه وحدت اسلامی ارائه می‌دهد.

۱. مبانی نظری

آیت‌الله محمد هادی معرفت در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در کربلا و در خانواده‌ای اهل علم چشم به جهان گشود. پس از تحصیلات ابتدایی، به فراگیری علوم ادبی، منطق، ریاضی و نجوم پرداخت و سپس به حوزه علمیه نجف رفت و از محضر استادانی چون آیت‌الله

حکیم، سید خویی و امام خمینی بهره‌مند شد. او علاوه بر تحصیل، به تدریس و برگزاری جلسات علمی با جوانان پرداخت و موضوعاتی چون حقوق زن در اسلام و نقد روایات را بررسی می‌کرد. در نجف، با گروهی از فضلای حوزه مجله‌ای عربی با عنوان «أجوبة المسائل الدینیة» منتشر کرد که بعدها برخی مقالات آن به فارسی ترجمه شد. در سال ۱۳۵۱ به قم مهاجرت کرد و در حوزه علمیه به تدریس خارج فقه، اصول و تفسیر قرآن پرداخت و هم‌زمان به تحقیق در علوم قرآنی و حدیثی مشغول شد. از آثار برجسته‌اش می‌توان به «التمهید فی علوم القرآن»، «صیانة القرآن من التحریف» و «الأسس العقائدیة لتفسیر القرآن» اشاره کرد. او در نگارش آثارش از منابع تفسیری، حدیثی، رجالی و تاریخی بهره گرفت و با روشی دقیق و عقلانی، به نقد سندی و متنی روایات پرداخت و بر ضرورت تفکیک روایات معتبر از ضعیف در تفسیر قرآن تأکید داشت.

آیت‌الله محمد هادی معرفت، با نگاهی خاص به مفهوم صحابه، تنها کسانی را صحابی واقعی می‌دانست که پس از وفات پیامبر اسلام بر راه او باقی مانده و با ولایت امام علی (ع) همراه بودند. او اذکار درمانی قرآن را بیشتر عامل جلب رحمت الهی می‌دانست تا درمان مستقل. تا پایان عمر، به تحقیق و تدریس مفاهیم قرآنی پرداخت و در سال ۱۳۸۵ خورشیدی در سن ۷۶ سالگی درگذشت. آثارش همچنان در حوزه‌های علمیه مورد توجه‌اند و شخصیت علمی‌اش تلفیقی از سنت‌گرایی و نوگرایی بود. از مهم‌ترین آثار او، کتاب «التفسیر الأثری الجامع» است؛ دایرةالمعارفی جامع در تفسیر روایی قرآن که روایات شیعه و اهل سنت را گردآوری، دسته‌بندی و نقد کرده است. نگارش آن از سال ۱۳۷۹ آغاز شد و تا پایان سوره بقره توسط خود او ادامه یافت. این مجموعه قرار است در ۴۰ جلد منتشر شود و جلد نخست آن به تفسیر سوره حمد اختصاص دارد. روش او در این اثر شامل ذکر آیه، شرح لغوی و معنایی، نقل روایات مرتبط و نقد دقیق آن‌هاست. روایات بر اساس موضوعاتی چون فضیلت آیه، شأن نزول، قرائات، شرح واژگان و روایات جعلی دسته‌بندی شده‌اند. منابع اصلی شامل تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت است و زبان نگارش عربی و مناسب پژوهشگران تخصصی است. این اثر، تلاشی منسجم برای پالایش میراث روایی و ارائه تفسیری عقلانی و مستند از قرآن است.

شرح تفصیلی کتاب «التفسیر الأثری الجامع» اثر آیت‌الله محمد هادی معرفت

کتاب «التفسیر الأثری الجامع» از مهم‌ترین آثار آیت‌الله محمد هادی معرفت در حوزه تفسیر قرآن است که با رویکردی روایی و تحلیلی نگاشته شده و جایگاه ویژه‌ای در مطالعات قرآنی دارد. این اثر با هدف گردآوری، دسته‌بندی و نقد روایات تفسیری شیعه و اهل سنت، دیدگاه اجتهادی مؤلف را در مواجهه با میراث روایی نشان می‌دهد. نگارش آن از سال ۱۳۷۹ آغاز شد و تا پایان سوره بقره توسط خود آیت‌الله معرفت تألیف گردید. ادامه مجموعه طبق وصیت او، توسط شاگردانش دنبال خواهد شد و در نهایت به ۴۰ جلد خواهد رسید. جلد نخست به مبانی تفسیر روایی و شرح سوره حمد اختصاص دارد و پنج جلد بعدی به تفسیر سوره بقره می‌پردازد. روش او شامل ذکر آیه، تحلیل لغوی، گردآوری روایات مرتبط و نقد سندی و مفهومی آن‌هاست. روایات بر اساس موضوعاتی مانند فضیلت آیه، شأن نزول، قرائات، واژگان، تفسیر مستقیم و روایت‌های جعلی دسته‌بندی شده‌اند. منابع اصلی شامل تفاسیر معتبر مانند «نور الثقلین»، «جامع‌البیان»، «مجمع‌البیان» و «تبیان» است. زبان کتاب عربی و نثر آن علمی و دقیق است، مناسب پژوهشگران و متخصصان علوم قرآنی. آیت‌الله معرفت در مقدمه کتاب، معیارهای تشخیص روایت معتبر را شرح داده و تأکید کرده که تنها روایاتی با سند قابل اعتماد و هماهنگ با سیاق آیه باید در تفسیر قرآن به کار گرفته شوند. این اثر، تلفیقی از سنت‌گرایی و نگاه اجتهادی در تفسیر روایی قرآن به‌شمار می‌رود.

این کتاب، با رویکردی اجتهادی و تحلیلی، به نقد و بررسی روایات تفسیری قرآن می‌پردازد. او با رعایت ادب علمی، ضعف‌های سندی و مفهومی برخی روایات اهل سنت را آشکار کرده و در عین حال از روایات معتبر آنان نیز بهره برده است. در بررسی شأن نزول آیات، تنها روایت‌هایی را معتبر می‌داند که با متن آیه، شرایط تاریخی و سیره اهل‌بیت تطابق داشته باشند. در تفسیر سوره حمد، آیت‌الله معرفت نگاهی عرفانی و کلامی را تلفیق کرده و مفاهیم «ربوبیت» و «رحمت» را با تکیه بر روایات اهل‌بیت شرح داده است. در آیه «اهدنا الصراط المستقیم»، صراط را به ولایت اهل‌بیت تعبیر کرده و دیدگاه‌های دیگر را نقد و تحلیل نموده است. او معتقد است که تفسیر مأثور نیازمند پالایش مستمر است و نباید به هر روایت تاریخی اعتماد کرد. در تفسیر سوره بقره، به جای ظاهر آیات،

به عمق مفاهیم اعتقادی، اجتماعی و فقهی پرداخته و روایات مرتبط با احکام را با اصول فقهی تطبیق داده است. این رویکرد، کتاب را به اثری تفسیری-فقهی تبدیل کرده است. توجه به قرائات مختلف و تحلیل تفاوت‌های معنایی آن‌ها نیز از ویژگی‌های برجسته این اثر است. در نقد روایات، آیت‌الله معرفت به منابع رجالی چون «تهذیب»، «رجال نجاشی» و «کشاف حال رجال» استناد کرده و اعتبار روایت را بر اساس شخصیت راوی بررسی کرده است. او تأکید دارد که تفسیر قرآن باید قابل فهم برای عموم باشد و از اطاله‌های غیرضروری پرهیز کند، از این‌رو سبک نگارش کتاب تخصصی اما منسجم و کاربردی است.

در سراسر کتاب، نقدهای مستند و مؤدبانه‌ای بر روایات اهل سنت دیده می‌شود؛ مؤلف با تحلیل سندی، مفهومی و تطبیق با ظاهر قرآن، ضعف‌ها را آشکار کرده و در عین حال از روایات معتبر آنان بهره برده است. بررسی شأن نزول آیات بر پایه روایاتی صورت گرفته که با متن، شرایط تاریخی و سیره اهل‌بیت هم‌خوانی دارند. در تفسیر سوره حمد، نگاه عرفانی و کلامی با محوریت «ربوبیت» و «رحمت» ارائه شده و آیه «اهدنا الصراط المستقیم» به ولایت اهل‌بیت تفسیر شده است. مؤلف تفسیر مأثور را ارزشمند اما نیازمند پالایش می‌داند و با دقت رجالی، به اعتبار روایات می‌پردازد. در سوره بقره، مفاهیم اعتقادی، اجتماعی و فقهی بررسی شده و روایات مرتبط با احکام با اصول فقهی تطبیق یافته‌اند. توجه به قرائات مختلف و تحلیل معنایی آن‌ها نیز از ویژگی‌های اثر است. در نقد روایات، منابع رجالی چون «تهذیب» و «رجال نجاشی» مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مؤلف تفسیر را برای فهم عمومی قابل‌استفاده می‌داند و از اطاله‌های غیرضروری پرهیز کرده است. در بخش‌هایی از کتاب، وجه اعجاز قرآن با تحلیل بلاغی و روایی برجسته شده و فهم آیات متشابه در پرتو روایات اهل‌بیت صورت گرفته است. در قصص انبیا، روایات با سیره و اصول نبوت تطبیق داده شده‌اند. آیات احکام با نقد فقهی بررسی شده و روایات اخلاقی با تحلیل روان‌شناختی به زندگی روزمره پیوند خورده‌اند. مؤلف به روایات علمی نیز توجه داشته و آیات آفرینش، زیست‌شناسی و کیهان‌شناسی را تحلیل کرده است. در داستان‌هایی چون اصحاب کهف و ذوالقرنین، روایات با مبانی تاریخی و جغرافیایی تطبیق یافته‌اند. تفاوت‌های سنت تفسیری شیعه و اهل سنت با ارائه نمونه‌هایی تحلیل شده‌اند. نقد روایات

اسطوره‌ای و غیر قابل اثبات تاریخی نیز از نقاط قوت کتاب است. این اثر، تلفیقی از سنت روایی و نگاه اجتهادی است که خواننده را از روایت‌های ضعیف مصون می‌دارد و درک عمیق‌تری از میراث تفسیری ارائه می‌دهد.

کتاب «التفسیر الأثری الجامع»، با رویکردی چندلایه و اجتهادی، به تحلیل روایات و تبیین آموزه‌های تربیتی، اعتقادی، عرفانی و اجتماعی قرآن می‌پردازد. مؤلف در بررسی آیات معاد، تصویری روشن و مستدل از آخرت ارائه داده و در مسائل تاریخی، با تطبیق روایات بر منابع معتبر، از افسانه‌پردازی پرهیز کرده است. تحلیل دقیق واژگان کلیدی قرآن مانند «ایمان»، «عدل» و «هدایت» با تکیه بر روایات اهل‌بیت، از نقاط قوت اثر است. نقد روایات ناسازگار با مبانی کلامی، بررسی نحوی و زبان‌شناختی روایت‌ها، و معرفی منابع در پایان هر فصل، به اعتبار علمی کتاب افزوده‌اند. این اثر با تلفیق سنت روایی و نگاه تحلیلی، الگویی برای پژوهش‌های تفسیری فراهم کرده و نشان می‌دهد که تفسیر روایی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای روز باشد. کتابی جامع، روشمند و قابل بهره‌برداری برای حوزه و دانشگاه.

آیت‌الله معرفت با رویکردی تطبیقی، تفاوت‌های بنیادین میان روایات تفسیری شیعه و اهل سنت را بررسی کرده است. او در تفسیر آیه ولایت، آن را به واقعه رکوع امام علی نسبت می‌دهد؛ در آیه تطهیر، اثبات می‌کند که خطاب آیه به پنج تن آل‌عبا است نه همسران پیامبر؛ در آیه مباهله، تنها اهل‌کساء را حاضر می‌داند و دیدگاه‌های دیگر را فاقد سند معتبر معرفی می‌کند؛ در آیه اکمال دین، شأن نزول را روز غدیر و معرفی ولایت امام علی می‌داند؛ و در آیه نور، آن را به مقام امامت و هدایت اهل‌بیت تفسیر می‌کند. این تحلیل‌ها با استناد به منابع معتبر شیعه و برخی منابع اهل سنت، انسجام تاریخی و معنایی بیشتری را نشان می‌دهند.

۲. روش تحقیق

۲-۱. نوع تحقیق

این مقاله یک تحقیق *توصیفی–تحلیلی* و *تطبیقی* است که با رویکرد کیفی انجام می‌شود. هدف آن بررسی مؤلفه‌های تقریب‌گرایی در آثار دو اندیشمند برجسته امامیه و مقایسه روش‌شناختی و محتوایی آن‌ها در حوزه تقریب مذاهب اسلامی است.

فرضیه‌ی اصلی این پژوهش آن است که اندیشه‌های تقریب‌گرایانه شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت، با وجود تفاوت‌های تاریخی و اجتماعی، در یک نقطه مشترک قرار دارند: هر دو با رویکرد علمی و عقلانی، تقریب مذاهب اسلامی را نه نفی تفاوت‌ها بلکه راهی برای هم‌دلی و تعامل سازنده میان امت اسلامی می‌دانند. بر این اساس، مقاله حاضر بر این فرض استوار است که مقایسه تطبیقی این دو اندیشمند می‌تواند الگویی برای گفتمان وحدت در عصر معاصر فراهم آورد.

۲-۲. روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات از طریق مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل متون اصلی دو اندیشمند، و بررسی منابع ثانویه جمع‌آوری می‌شود:

آثار آیت‌الله معرفت: *التفسیر الأثری الجامع*، مقالات وحدت اسلامی، سخنرانی‌ها

آثار شیخ طوسی: *الخلاف*، الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، *تلخیص الشافی*، *التبیان*

منابع تفسیری، فقهی، حدیثی، رجالی و کلامی مرتبط

مقالات، پایان‌نامه‌ها، و پژوهش‌های تخصصی درباره تقریب مذاهب اسلامی

۲-۳. جامعه پژوهش

جامعه مورد بررسی شامل:

آثار مکتوب و منتشر شده از آیت‌الله معرفت و شیخ طوسی

دیدگاه‌های مفسران، فقها و متکلمان معاصر در تفسیر آراء تقریب‌گرایانه این دو شخصیت

۲-٤. شیوه تحلیل داده‌ها

داده‌ها به شیوه *تحلیل محتوای کیفی* و *مقایسه تطبیقی* بررسی می‌شوند:

استخراج مؤلفه‌های تقریب‌گرایی: مانند رویکرد به اهل سنت، زبان گفت‌وگو، روش نقد مخالف، تعامل با منابع حدیثی و فقهی، تفسیر وحدت‌محور قرآن

تحلیل تفاوت و شباهت در رویکرد روش‌شناختی، تاریخی، و زبانی

بررسی زمینه‌های اجتماعی و تاریخی تأثیرگذار بر نوع نگاه تقریب‌گرایانه هر اندیشمند

۳. یافته‌های تحقیق

مفهوم تقریب مذاهب اسلامی در ادبیات معاصر اسلامی، تلاشی برای کاهش اختلافات میان فرق اسلامی و تقویت وحدت و هم‌زیستی است. شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت، با تفاوت در زمان و زمینه اجتماعی، رویکردهایی متمایز اما هم‌سو در حمایت از تقریب دارند. شیخ طوسی در قرن پنجم هجری، با وجود فضای تعصب‌آلود، در آثار کلامی و فقهی خود مانند الخلاف و الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، نقدی علمی و غیرتقابلی نسبت به اهل سنت ارائه می‌دهد و اختلافات را در سطح اجتهاد می‌بیند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷؛ ۱۴۱۱). او از زبان تکفیر پرهیز کرده و گفت‌وگویی عقلانی را دنبال می‌کند. آیت‌الله معرفت، در فضای نوگرای وحدت اسلامی، تقریب را ضرورتی تاریخی می‌داند و با تأکید بر مشترکات قرآنی و نبوی، به بازسازی اعتماد میان مذاهب می‌پردازد (معرفت، ۱۴۲۶). او حتی خواهان اصلاح زبان شیعیان در مواجهه با اهل سنت است تا گفتمان وحدت بر پایه احترام شکل گیرد (رحیمی و فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۵). این دو اندیشمند، با حفظ اصول امامیه، تقریب را نه نفی تفاوت‌ها، بلکه راهی برای هم‌دلی و تعامل سازنده میان امت اسلامی می‌دانند.

شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت، با تفاوت در زمینه سیاسی و اجتماعی، رویکردهای متفاوتی نسبت به تقریب مذاهب دارند. طوسی در عصر خلافت عباسی، با احتیاط و نقد علمی به اهل سنت می‌پردازد، بدون توهین یا تکفیر، و بر تبیین اختلافات تأکید دارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷؛ ۱۴۱۱). آیت‌الله معرفت در فضای وحدت‌گرای پس از انقلاب اسلامی، تقریب را ضرورتی تمدنی می‌داند و با بهره‌گیری از منابع معتبر اهل سنت، به تأویل‌هایی می‌پردازد که دیدگاه آنان را نیز دربر گیرد (معرفت، ۱۴۲۶؛ رحیمی و فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۵). طوسی در گفت‌وگو با مکاتب کلامی، عقل‌گرا و مستدل است و بر مشترکات تأکید دارد؛ آیت‌الله معرفت نیز وحدت را مأموریت قرآنی و اخلاقی می‌داند (جوادی آملی، ۱۴۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۲۱). در نهایت، طوسی تقریب‌گرا در روش است، اما آیت‌الله معرفت تقریب‌گرا در روش، نیت و هدف، و به دنبال هم‌گرایی واقعی میان مذاهب اسلامی است.

شیخ طوسی از برجسته‌ترین فقها و متکلمان شیعه در قرن پنجم هجری است که با تربیت در محضر شیخ مفید و سید مرتضی، مرجعیت علمی شیعه را برعهده گرفت. آثار او در فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر و کلام، پایه‌های نظام علمی امامیه را شکل داده‌اند. در فقه، با نگارش النهایه، المبسوط و الخلاف، فقه شیعه را از نقل‌گرایی به اجتهاد ارتقا داد و در الخلاف با رویکردی مقارن، آرای اهل سنت را نقد علمی کرد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷). در کلام، با تألیف الاقتصاد فی الاعتقاد و تلخیص الشافی، اصول امامیه را با روش عقل‌گرایانه تبیین نمود و از تقابل‌های تند پرهیز کرد (شیخ طوسی، ۱۴۱۰؛ ۱۴۱۱). در تفسیر التبیان، از منابع اهل سنت بهره گرفت و نظرات آنان را با دیدگاه‌های شیعه مقایسه کرد. همچنین در الخلاف، برای اقناع مخاطبان اهل سنت، از قیاس و استحسان استفاده کرد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷). در آثار رجالی چون الفهرست و الرجال، راویان اهل سنت را معرفی کرده و از آن‌ها در نقل حدیث بهره برده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۵). این رویکردها نشان‌دهنده آزاداندیشی، جامع‌نگری و تلاش او برای گفت‌وگوی علمی و تقریب مذاهب اسلامی است.

شیخ طوسی در دوران تعصب مذهبی سلجوقیان، از بغداد به نجف مهاجرت کرد و با تأسیس حوزه علمیه نجف، نقطه عطفی در تاریخ تشیع و تعامل مذهبی ایجاد نمود. این حوزه بعدها به مرکزی برای گفت‌وگوی بین‌مذاهب تبدیل شد. در مصباح المتهجد، او با زبان تربیتی به آداب عبادی و اخلاقی پرداخت و نقش دین را در هم‌گرایی امت اسلامی برجسته ساخت. در نقد دیدگاه‌های اهل سنت، از روش علمی و استدلالی بهره گرفت و از توهین و تکفیر پرهیز کرد؛ روشی که در زمانه تقابل مذهبی، نوآورانه و اخلاق‌مدار بود. در الخلاف، آرای اهل سنت را با احترام نقل و نقد کرد و گاه نقاط قوت و اشتراکات را برجسته ساخت. در تفسیر قرآن، نظرات مفسران اهل سنت را بررسی و با دیدگاه امامیه تطبیق داد، که نشان از تلاش برای تقریب تفسیری دارد. اختلافات فقهی را در چارچوب اجتهاد تحلیل کرد و از نزاع اعتقادی پرهیز نمود. عقل را در کنار قرآن و سنت به‌عنوان منبع استنباط پذیرفت و با تألیف المبسوط، فقه شیعه را وارد مرحله‌ای نو از تحلیل و تعامل علمی با دیگر مکاتب فقهی کرد.

شیخ طوسی با پرهیز از تعصب قومی و مذهبی، بر اصول مشترک اسلامی تمرکز دارد و نقدهایش را بر پایه محتوا و استدلال علمی بنا می‌نهد. او با احترام به شاگردان اهل سنت، در بغداد کرسی درسی مشترک شیعه و سنی تشکیل داد که نشان‌دهنده روحیه تقریب‌گرایانه‌اش است. در آثار حدیثی، از روایات اهل سنت بهره می‌برد و آن‌ها را با معیارهای رجالی بررسی می‌کند. در تفسیر آیه اکمال دین نیز نظرات اهل سنت را نقل و با دیدگاه امامیه تطبیق می‌دهد، که بیانگر تلاش او برای گفت‌وگوی تفسیری است. در مواجهه با اختلافات کلامی، از مناظره عقلانی بهره می‌گیرد و از تقابل‌های تند پرهیز می‌کند. همچنین با تأکید بر اصولی چون توحید، نبوت و معاد، آن‌ها را محور وحدت امت اسلامی معرفی می‌نماید.

شیخ طوسی با بهره‌گیری از زبان علمی و پرهیز از تحقیر، زمینه تعامل بین‌مذهبی را فراهم می‌سازد. او شاگردان را به گفت‌وگوی محترمانه با دیگر مذاهب دعوت می‌کند و با تأسیس حوزه نجف، بستری برای رشد علمی و تقریب مذهبی ایجاد می‌نماید. در آثارش، بر اجتهاد و پرهیز از تقلید کور تأکید دارد و اختلافات تاریخی را با تحلیل اسنادی بررسی می‌کند. همچنین عقل را ابزار فهم دین و تعامل علمی میان فرق اسلامی می‌داند، که موجب تقریب معرفتی میان مسلمانان می‌شود.

در ادامه بررسی آراء شیخ طوسی، می‌توان به ویژگی برجسته او در مواجهه با دیگران اشاره کرد: پرهیز از تعصب مذهبی و دعوت به هم‌فهمی دینی. شیخ طوسی حتی در فضاهای آکنده از خصومت مذهبی، از زبان علمی و گفت‌وگویی بهره می‌برد و تلاش می‌کرد تا با برهان و استدلال، نه با انکار و نفی، عقاید دیگران را پاسخ دهد. این روش، الگویی از برخورد متین و اخلاق‌محور میان فرقه‌های اسلامی است.

شیخ طوسی در مواجهه با مسائل اختلافی مانند خلافت، امامت، عصمت و عدل الهی، رویکردی کم‌تنش و مستدل داشت و از تقابل‌سازی پرهیز می‌کرد. در تلخیص الشافی، اصول اعتقادی امامیه را با زبانی ساده برای عموم توضیح داد (شیخ طوسی، ۱۴۱۰). او بنیان‌گذار نظام اصول فقه شیعه بود و در برابر قیاس و مصالح مرسله اهل سنت، با استدلال دقیق از مبانی امامیه دفاع کرد (شیخ طوسی، ۱۴۱۱؛ زحیلی، ۱۴۱۸). روش جدلی او امکان

گفت‌وگوی علمی را فراهم می‌ساخت. در نقل روایات نیز، با معیارهای رجالی، از منابع اهل سنت بهره می‌برد (نسائی، ۱۴۱۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۹). در تربیت شاگردان، بر دقت علمی، منطق و احترام به دیدگاه‌های دیگر تأکید داشت. شاگردانی چون ابن ادریس و ابن برّاج این سنت عقل‌گرایانه را ادامه دادند (برکات، ۱۳۸۵). با وجود سلطه خلافت عباسی، شیخ طوسی از تقابل مذهبی پرهیز کرد و با منطق علمی از حقانیت شیعه دفاع نمود. آثار او الگویی برای تعامل علمی با اهل سنت شدند و سبک عقل‌گرایانه و غیرتقابلی‌اش، زمینه‌ساز تقریب‌گرایی در دوران معاصر گردید (رحیمی و فتحعلی‌خانی، ۱۳۹۵).

آیت‌الله محمد هادی معرفت، از برجسته‌ترین اندیشمندان معاصر شیعه در حوزه تفسیر، علوم قرآن و کلام، با رویکردی عقل‌گرایانه، روایی و وحدت‌محور، نقش مهمی در تبیین و تقویت گفتمان تقریب مذاهب اسلامی ایفا کرده است. او با بهره‌گیری از میراث علمی امامیه و تعامل با منابع اهل سنت، تلاش کرد تا منظومه‌ای از اندیشه دینی ارائه دهد که هم به اصول اعتقادی شیعه وفادار باشد و هم زمینه‌ساز هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان فرق اسلامی گردد.

آیت‌الله معرفت در آثار خود، از جمله در کتاب «التفسیر الأثری الجامع»، تقریب را نه‌تنها یک ضرورت اجتماعی، بلکه یک مأموریت قرآنی و رسالت نبوی می‌داند. او معتقد است که وحدت امت اسلامی، از اهداف اصلی بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده و هرگونه تفرقه، انحراف از مسیر نبوت و قرآن است. از این‌رو، تقریب مذاهب را در امتداد رسالت پیامبر و ولایت اهل‌بیت تعریف می‌کند.

در نگاه آیت‌الله معرفت، تقریب مذاهب اسلامی به معنای حذف اختلافات نیست، بلکه به معنای مدیریت اختلافات در چارچوب عقل، ادب و احترام است. او تأکید دارد که اختلاف در اجتهاد، طبیعی و حتی مفید است، اما نباید به دشمنی، تکفیر یا تحقیر منجر شود. از این‌رو، تقریب را فرآیندی تربیتی و تمدنی می‌داند، نه صرفاً یک پروژه سیاسی یا شعاری.

آیت‌الله معرفت در تحلیل آیات قرآن، از جمله آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا»، وحدت را یک اصل الهی معرفی می‌کند. او معتقد است که «حبل الله» در این آیه،

هم قرآن است و هم ولایت اهل‌بیت، و چنگ زدن به آن، راهی برای تحقق وحدت واقعی میان مسلمانان است. از این‌رو، تقریب بدون تمسک به اهل‌بیت، ناقص و سطحی خواهد بود.

او در تفسیر آیه «إنما المؤمنون إخوة»، برادری ایمانی را فراتر از هم‌مذهبی می‌داند و معتقد است که هر مسلمان، صرف‌نظر از مذهب، عضو خانواده ایمانی است. این نگاه، زمینه‌ساز تعامل مثبت میان شیعه و سنی است و از تقابل‌های تاریخی جلوگیری می‌کند.

آیت‌الله معرفت در نقد تعصب مذهبی، آن را یکی از موانع اصلی تقریب معرفی می‌کند. او می‌گوید: «تعصب، عقل را می‌کُشد و دین را به ابزار نزاع تبدیل می‌کند.» از این‌رو، تقریب را نیازمند پالایش زبان دینی، بازسازی گفتمان مذهبی و تربیت نسل جدیدی از علمای گفت‌وگوگر می‌داند.

در آثار آیت‌الله معرفت، به‌ویژه در مقالات مربوط به وحدت اسلامی، تأکید شده که تقریب باید از سطح نخبگان به سطح عمومی امت گسترش یابد. او معتقد است که وحدت واقعی، زمانی تحقق می‌یابد که مردم، نه‌فقط علما، به مشترکات دینی خود آگاه شوند و از تفرقه‌های بی‌اساس پرهیز کنند.

او در نقد تاریخ‌نگاری‌های تفرقه‌افکن، خواهان بازخوانی تاریخ اسلام با رویکرد وحدت‌محور است. آیت‌الله معرفت معتقد است که بسیاری از اختلافات تاریخی، ناشی از سوءفهم، تحریف یا انگیزه‌های سیاسی بوده‌اند و باید با نگاه علمی و منصفانه بازنگری شوند.

در تعامل با منابع اهل سنت، آیت‌الله معرفت رویکردی باز و علمی دارد. او در تفسیر آیات ولایت، تطهیر و مباهله، از منابع معتبر اهل سنت مانند صحیح مسلم، سنن ترمذی، مسند احمد و شواهد التنزیل بهره می‌برد و تلاش می‌کند تا دیدگاه شیعه را با استناد به منابع مشترک اثبات کند.

آیت‌الله معرفت در نقد تکفیر، آن را خلاف روح اسلام می‌داند. او معتقد است که هیچ‌کس حق ندارد دیگری را به‌خاطر اختلاف فقهی یا کلامی، خارج از اسلام بداند. از این‌رو، تقریب را نیازمند فتوای حرمت تکفیر و اهانت به مقدسات مذاهب دیگر می‌داند.

او در تعامل با علمای اهل سنت، از زبان احترام و ادب بهره می‌گیرد و معتقد است که گفت‌وگو، باید بر پایه انصاف، علم و محبت باشد. آیت‌الله معرفت در کنفرانس‌های وحدت اسلامی، همواره بر ضرورت شناخت متقابل و پرهیز از سوءظن تأکید کرده است.

در تحلیل فقهی، آیت‌الله معرفت معتقد است که اختلاف در فروع، نباید به اختلاف در اصول منجر شود. او می‌گوید: «فقه، ابزار زندگی است، نه ابزار نزاع.» از این‌رو، تقریب فقهی را از طریق تدریس مذاهب مختلف در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها پیشنهاد می‌کند.

او در نقد رسانه‌های تفرقه‌افکن، خواهان پالایش فضای رسانه‌ای جهان اسلام است. آیت‌الله معرفت معتقد است که رسانه‌ها باید به جای دامن‌زدن به اختلافات، به تبیین مشترکات و معرفی چهره‌های تقریبی بپردازند.

در حوزه تربیت دینی، آیت‌الله معرفت خواهان آموزش تقریب در مدارس و حوزه‌هاست. او معتقد است که نسل جدید باید با زبان وحدت تربیت شود و از کودکی، با فرهنگ گفت‌وگو، احترام و هم‌زیستی آشنا گردد.

او در تحلیل اجتماعی، تقریب را راهی برای کاهش تنش‌های قومی، مذهبی و سیاسی در جهان اسلام می‌داند. آیت‌الله معرفت معتقد است که وحدت، نه‌تنها یک اصل دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و امنیتی است.

در نقد سیاست‌های استعماری، آیت‌الله معرفت تأکید می‌کند که تفرقه، ابزار استعمار است و تقریب، راه مقاومت. او می‌گوید: «دشمنان اسلام، از وحدت ما می‌ترسند، نه از اختلاف ما.» از این‌رو، تقریب را بخشی از جهاد فرهنگی می‌داند.

او در تحلیل فلسفی، تقریب را نه‌تنها یک راهکار اجتماعی، بلکه یک اصل هستی‌شناسانه می‌داند. آیت‌الله معرفت معتقد است که حقیقت، واحد است و اختلافات، ناشی از محدودیت‌های انسانی‌اند. از این‌رو، تقریب، بازگشت به حقیقت واحد الهی است.

در نقد جریان‌های افراطی، آیت‌الله معرفت آنان را مانع تقریب می‌داند و خواهان مقابله علمی و فرهنگی با آنان است. او معتقد است که افراط‌گرایی، دین را به ابزار خشونت تبدیل می‌کند و تقریب، راهی برای نجات دین از انحراف است.

او در تحلیل اخلاقی، تقریب را تمرین تواضع، انصاف و محبت می‌داند. آیت‌الله

معرفت معتقد است که تقریب، نه‌تنها گفت‌وگوی علمی، بلکه تربیت اخلاقی است و باید با روحیه فروتنی و احترام همراه باشد.

در نقد انحصارگرایی مذهبی، آیت‌الله معرفت خواهان بازنگری در مفاهیم «حق مطلق» و «باطل مطلق» است. او معتقد است که هر مذهب، بخشی از حقیقت را دارد و باید با گفت‌وگو، به فهم کامل‌تر رسید.

او در تحلیل تمدنی، تقریب را مقدمه‌ای برای احیای تمدن اسلامی می‌داند. آیت‌الله معرفت معتقد است که بدون وحدت، تمدن اسلامی نمی‌تواند در برابر تمدن‌های رقیب قد علم کند. از این‌رو، تقریب را راهی برای بازسازی هویت اسلامی معرفی می‌کند.

در نقد نگاه سیاسی به تقریب، آیت‌الله معرفت تأکید می‌کند که تقریب، نباید ابزار قدرت یا رقابت سیاسی شود. او معتقد است که تقریب، یک مأموریت دینی و انسانی است و باید از آلودگی‌های سیاسی مصون بماند.

او در تعامل با نهادهای تقریبی، مانند مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نقش فعالی داشته و همواره از گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی و آموزشی در این زمینه حمایت کرده است.

در تحلیل تاریخی، آیت‌الله معرفت به تلاش‌های علمای گذشته مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ شلتوت، آیت‌الله بروجردی و علامه کاشف‌الغطاء اشاره می‌کند و آنان را پیشگامان تقریب می‌داند. او معتقد است که تقریب، ریشه در تاریخ اسلام دارد و باید ادامه یابد.

در نقد نگاه سطحی به تقریب، آیت‌الله معرفت خواهان تعمیق گفتمان وحدت است. او معتقد است که تقریب، نباید به شعار یا مراسم محدود شود، بلکه باید به گفتمان علمی، تربیتی و اجتماعی تبدیل گردد.

در نهایت، آیت‌الله معرفت تقریب را نه‌تنها یک راهکار، بلکه یک سبک زندگی اسلامی معرفی می‌کند. او می‌گوید: «تقریب، یعنی زیستن با دیگری، بدون نفی او.» این جمله، خلاصه‌ای از نگاه آیت‌الله معرفت به تقریب مذاهب اسلامی است.

نتیجه‌گیری

در فضای معاصر جهان اسلام، گفت‌وگو و هم‌فهمی میان مذاهب اسلامی بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است. تقریب، نه‌تنها راهی برای کاهش اختلافات تاریخی و دینی است، بلکه ابزاری برای هم‌افزایی علمی، فرهنگی و اخلاقی میان پیروان مذاهب مختلف محسوب می‌شود. بررسی تاریخی نشان می‌دهد که رویکردهای تقریب‌گرایانه در طول قرون، بسته به شرایط اجتماعی و سیاسی هر عصر، اشکال متفاوتی یافته‌اند و بزرگان علمی هر دوره روایت خاصی از وحدت را برساخته‌اند.

در سنت علمی امامیه، دو چهره برجسته نماد دو مرحله از مسیر تقریب‌اند: شیخ طوسی، متفکر بزرگ قرن پنجم هجری که در دل بحران‌های عقیدتی و سیاسی خلافت عباسی، با روش استدلالی و علمی فضایی برای گفت‌وگو میان شیعه و اهل سنت فراهم ساخت؛ و آیت‌الله محمدهادی معرفت، اندیشمند معاصر که در قرن پانزدهم هجری و در عصر گفت‌وگوی بین‌المذاهب، نظریه‌ای تمدنی و ساختاری درباره تقریب ارائه داد. هر دو، با حفظ اصول امامیه، از تقابل‌های تند و زبان تکفیر دوری گزیدند و با بهره‌گیری از منطق عقلی، منابع مشترک و روح وحدت‌خواهانه قرآن، دست به تأسیس نوعی گفت‌وگوی علمی زدند؛ یکی در قالب فقه و کلام، و دیگری در قالب تفسیر و نهادسازی.

مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های آنان نشان می‌دهد که شیخ طوسی، بی‌آن‌که اصطلاح تقریب را به کار برد، در عمل به آن وفادار بود و با بهره‌گیری از منابع اهل سنت و نقد علمی آرای آنان، الگویی از گفت‌وگوی عقلانی ارائه کرد. در مقابل، آیت‌الله معرفت تقریب را ضرورتی تمدنی دانست و آن را از سطح علمی به عرصه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی گسترش داد. تفاوت مهم این دو متفکر نه در اعتقاد، بلکه در اقتضای عصر است: طوسی تقریبی محتاط و علمی عرضه کرد، در حالی که معرفت تقریبی فعال، صریح و تمدنی را پی گرفت. هر دو، با زبان عصر خود، پاسخی به ضرورت «وحدت در عین تنوع» دادند.

بدین‌ترتیب، مسیر تقریب در اندیشه شیعه از عقل‌گرایی علمی شیخ طوسی آغاز شد و

با گفتمان تمدنی آیت‌الله معرفت در عصر حاضر به بلوغ رسید. پس در نتیجه، طوسی تقریب‌گرا در روش و معرفت تقریب‌گرا در روش، نیت و هدف است؛ و هر دو نقشی اساسی در شکل‌گیری گفتمان وحدت اسلامی ایفا کرده‌اند.

جدول ۱: تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های شیخ طوسی و آیت‌الله معرفت درباره تقریب مذاهب اسلامی

محور مقایسه	شیخ طوسی	آیت‌الله معرفت
دوره تاریخی	قرن پنجم هجری، دوران عباسی و فتنه سلجوقیان	قرن پانزدهم هجری، عصر انقلاب اسلامی و نهادهای تقریبی
زمینه اجتماعی	تعصب مذهبی، فشار سیاسی علیه شیعه	فضای گفت‌وگوی بین‌مذهبی، توسعه رسانه‌های دینی
نوع تقریب	سکوت علمی، گفت‌وگوی فقهی و کلامی با اهل سنت	پروژه‌محور، فرهنگی و تمدنی، تقریب در همه سطوح
آثار تقریبی	الخلاف، التبیان، الاقتصاد، تلخیص الشافی	التفسیر الأثری الجامع، مقالات وحدت، تحلیل‌های قرآنی
شیوه نقد دیدگاه دیگران	علمی، استدلالی، بدون توهین یا تکفیر	روایی، منطقی، با استناد به منابع مشترک
منابع اهل سنت	استفاده با احتیاط و بررسی سندی	بهره‌گیری گسترده، تطبیق با روایات شیعی
موضع‌گیری نسبت به تکفیر	پرهیز از زبان تکفیر و تحقیر	نقد صریح تکفیر، مخالفت فقهی و اخلاقی
تقریب در فقه	تعامل علمی، معرفی اختلافات در چارچوب اجتهاد	پیشنهاد آموزش تطبیقی فقه مذاهب در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها
تقریب در تفسیر	نقد علمی، مقایسه تفسیر شیعه و اهل سنت	تطبیق روایات اهل‌بیت با منابع اهل سنت، تحلیل بلاغی
تعامل با تاریخ	تحلیل محتاطانه، پرهیز از نزاع تاریخی	نقد تاریخ‌نگاری تفرقه‌افکن، بازخوانی وحدت‌محور
زبان گفت‌وگو	استدلالی، عقلانی، کم‌تنش	وحدت‌محور، با تأکید بر اخلاق، محبت و انصاف
هدف از تقریب	گفت‌وگوی علمی، دفاع از مواضع شیعه	هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، بازسازی تمدن اسلامی

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن‌حزم، علی بن احمد. (۱۹۸۲ م). الفصل فی الملل و الاهواء و النحل. بیروت: دارالجیل.

۲. ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۸۰۸ ق). تاریخ ابن‌خلدون. بیروت: دارالفکر.

۳. ابن‌طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ ق). الطرائف. قم: دارالمرتضی.

۴. ابن‌عاشور، محمد طاهر. (۱۹۹۷ م). التحریر و التنویر. تونس: دار سحنون.

۵. اشعری، ابوالحسن. (۱۴۱۵ ق). مقالات الاسلامیین. تحقیق: هلموت ریتر. بیروت: دارالشرق.

۶. برکات، ع. (۱۳۸۵). جریان‌های افراطی در جهان اسلام. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی.

۷. بغدادی، عبدالقاهر. (۱۴۰۱ ق). الفرق بین الفرق. بیروت: دار المعرفة.

۸. جوادی آملی، ع. (۱۴۲۷ ق). ولایت فقیه، ولایت قرآن. قم: نشر اسراء.

۹. جوینی، عبدالملک. (۱۴۱۷ ق). الارشاد الی قواطع الادلة. تحقیق: محمد زاهد کوثری. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۱۰. خطیب، م. (۱۴۳۳ ق). الوحدة الاسلامیة و تحدیات العصر. بیروت: دارالهدی.

۱۱. دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه. گزارش‌ها و اسناد. قاهره: دارالتقریب.

۱۲. دورانت، و. (۱۹۸۰ م). تاریخ تمدن (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۱۳. رازی، فخرالدین محمد بن عمر. (۱۴۲۱ ق). التفسیر الکبیر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۴. رحیمی، م.، و فتحعلی‌خانی، م. (۱۳۹۵). «تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه معاصر». پژوهش‌های وحدت اسلامی، ۱۲(۳)، ۴۵–۶۲.

۱۵. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ ق). الفقه الاسلامی و ادلته (ج ۱–۸). دمشق: دارالفکر.

۱۶. سباعی، مصطفی. (بی‌تا). اسلام در برابر غرب. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). الخلاف. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۸. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۰ ق). تلخیص الشافی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ ق). الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۵ ق). رجال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۲۱ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ ق). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۲۳. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۲ ق). تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک). بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۴. غنوشی، راشد. (۱۳۸۱). الاسلام و الحدیث عن الدیمقراطیة. بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۲۵. قمّی، عباس. (۱۳۶۷). سفینةالبحار. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیة.
۲۶. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی. مقالات و بیانیه‌ها. تهران: مجمع جهانی تقریب.
۲۷. مریجی، م. (۱۳۹۵). «سکولاریسم و تقریب مذاهب اسلامی». مطالعات فرهنگی و اجتماعی اسلام، ۷(۲)، ۸۹–۱۰۴.
۲۸. معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۲). تفسیر و مفسران. قم: مؤسسه التمهید.
۲۹. معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۴). نقش اهل بیت در تفسیر قرآن. تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۳۰. معرفت، محمد هادی. (۱۴۲۶ ق). التفسیر الأثری الجامع. قم: مؤسسه التمهید.
۳۱. نسائی، احمد بن شعیب. (۱۴۱۱ ق). السنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۳۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج. (۱۴۱۹ ق). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
۳۳. الیاده، میرچا. (۱۳۷۴). تاریخ ادیان (ترجمه: فریدون بدره‌ای). تهران: نشر نی.